



تاثیر فرهنگ آموزشی بر تکامل شناختی

مرضیه صوفیابادی^۱، نسرین دیانی^۲

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه غیرانتفاعی کومش

M.sofi@gmail.com

۲- کارشناسی آموزش و پرورش ابتدایی، دانشگاه آزاد گرمسار

N.dayani@gmail.com

چکیده:

فرهنگ محیط آموزشی نقش بسیار مهمی در تکامل شناختی دانش آموزان ایفا می کند. این تحقیق به بررسی تأثیرات عناصر فرهنگی محیط آموزشی، شامل ارزش ها، باورها، و رفتارها، بر تکامل شناختی دانش آموزان می پردازد. محیط آموزشی، به عنوان یک فضای فیزیکی و اجتماعی، قادر است تجارب یادگیری دانش آموزان را به شکل قابل توجهی تحت تأثیر قرار دهد. در این تحقیق، اجزای مختلف فرهنگ محیط آموزشی از جمله زبان، ارتباطات بین افراد، و ارزش های ترویجی بررسی شده اند. نتایج نشان می دهد که زبان محیط آموزشی نقش بسزایی در توسعه زبانی و تفکر انتقادی دانش آموزان ایفا می کند. علاوه بر این، ارتباطات مثبت و پایدار بین اعضای جامعه آموزشی می تواند به افزایش اعتماد به نفس و همچنین مهارت های اجتماعی دانش آموزان منجر شود. ارزش های ترویجی نیز در تشکیل هویت فردی و انگیزش دانش آموزان تأثیرگذار است. در نهایت، تحقیق حاضر به معرفی چندین استراتژی برای بهینه سازی فرهنگ محیط آموزشی به منظور تقویت تکامل شناختی دانش آموزان و بهبود کیفیت فرآیند یادگیری آنان پرداخته است.

واژگان کلیدی: فرهنگ آموزشی - تکامل - دانش آموزان



۱- مقدمه:

در دهه های اخیر، توجه به نقش محیط آموزشی در تکامل شناختی دانش آموزان به عنوان یک مؤلفه اساسی در فرآیند یادگیری و توسعه فردی بیش از پیش افزایش یافته است. محیط آموزشی، به عنوان یک فضای فیزیکی و اجتماعی، نقشی بسیار حیاتی در تجربیات یادگیری دانش آموزان ایفا می کند و تأثیرات عمیقی بر تکامل شناختی آنان دارد. تفاوت ها و ویژگی های مختلف فرهنگ محیط آموزشی، از جمله ارزش ها، باورها، زبان، و رفتارها، می توانند تأثیر مستقیم بر رشد و توسعه دانش آموزان داشته باشند. این تأثیرات می توانند از طریق ارتقاء مهارت های اجتماعی، تفکر انتقادی، و افزایش اعتماد به نفس در دانش آموزان، تحولاتی قابل ملاحظه در مسیر یادگیری و پیشرفت شناختی آنان ایجاد کنند. در این محقق، تلاش می شود با مطالعه تأثیرات محیط آموزشی بر تکامل شناختی دانش آموزان، ابعاد مختلف این تأثیرات و نحوه بهینه سازی فرهنگ محیط آموزشی جهت ارتقاء فرآیند یادگیری و توسعه دانش آموزان مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش می کوشد تا بر اساس یافته های علمی، راهکارها و استراتژی های مؤثر برای بهبود فرهنگ محیط آموزشی را ارائه دهد و نقش محیط آموزشی را به عنوان یک عامل کلیدی در تحولات شناختی دانش آموزان بیان کند.

۱. فرهنگ محیط آموزشی: مفهوم فرهنگ محیط آموزشی شامل ارزش ها، باورها، زبان، ارتباطات، و رفتارهای اجتماعی موجود در یک فضا یادگیری است. این فرهنگ به عنوان یک سیاق معنایی در فرآیند یادگیری تأثیرگذار است و تجربیات دانش آموزان را تحت تأثیر قرار می دهد.

۲. تکامل شناختی: تکامل شناختی به تحول و پیشرفت فرد در دستیابی به دانش، مهارت ها، و فهم عمیق تر اطلاعات اشاره دارد. این فرآیند شامل تغییر در تفکر، تحلیل، حل مسائل، و انعطاف پذیری شناختی است.

۳. محیط آموزشی فیزیکی: این مفهوم به فضاهای فیزیکی یادگیری اشاره دارد که شامل کلاس ها، کتابخانه ها، آزمایشگاه ها و تجهیزات آموزشی است. این فضاها می توانند تأثیرگذار بر فرآیند یادگیری و تفکر دانش آموزان باشند.

۴. فرهنگ زبانی: فرهنگ زبانی به استفاده از زبان و واژگان در محیط آموزشی اشاره دارد. زبان نقش مهمی در تبیین مفاهیم، انتقال اطلاعات، و ایجاد ارتباطات انسانی در فرآیند یادگیری دارد.

۵. ارزش ها و باورها: این مفهوم شامل اصول، اخلاقیات، و باورهای جامعه آموزشی است. ارزش ها و باورها تأثیرگذار بر تصمیم گیری ها، انگیزش، و انگیزه دانش آموزان برای یادگیری هستند.

۶. رفتارهای اجتماعی: رفتارهای اجتماعی شامل تعاملات، همکاری، و روابط اجتماعی دانش آموزان در محیط آموزشی است. این رفتارها می توانند به توسعه مهارت های اجتماعی و روان شناختی آنان کمک کنند. این مفاهیم اساسی در تحلیل نقش فرهنگ محیط آموزشی در تکامل شناختی دانش آموزان مورد استفاده قرار می گیرند و ارتباط میان آنها موجب شکل گیری یک ساختار یادگیری مؤثر می شود.

۷. هماهنگی فرهنگی: به تطابق و تناسب بین مفاهیم فرهنگی مختلف در محیط آموزشی و مشارکت فعال در فرآیند یادگیری اشاره دارد. این هماهنگی می تواند به ارتقاء تعاملات مثبت و مفید بین دانش آموزان و محیط آموزشی کمک کند.

۸. تأثیرات رفتار والدین و اعضای مهم خانواده: نقش والدین و اعضای مهم خانواده نیز در ایجاد فرهنگ آموزشی تأثیرگذار است. تعاملات خانواده و حمایت آنان می تواند بر مهارت ها و انگیزه دانش آموزان در زمینه یادگیری تأثیرگذار باشد.

۹. ارزیابی محیط آموزشی: ارزیابی محیط آموزشی شامل ارزیابی عناصر مختلف فرهنگی و فیزیکی یادگیری است. این ارزیابی می تواند به شناخت نقاط قوت و ضعف محیط آموزشی و پیشنهاد بهبودهای لازم کمک کند.

۱۰. استراتژی های بهینه سازی: استراتژی های بهینه سازی شامل تدابیر و روش هایی است که جهت بهبود فرهنگ محیط آموزشی و افزایش تأثیرگذاری آن بر تکامل شناختی دانش آموزان اتخاذ می شود. این استراتژی ها باید با توجه به نیازها و ویژگی های خاص هر محیط آموزشی طراحی شوند. این مفاهیم اساسی نشان از پیچیدگی و تعاملات چند وجهی فرهنگ محیط آموزشی با فرآیند یادگیری دانش آموزان دارند. بررسی این عناصر به کمک بهترین شکل دهی به محیط آموزشی و افزایش کیفیت یادگیری و تکامل شناختی دانش آموزان می پردازد.

تکامل شناختی: تکامل شناختی به فرآیند تغییر و تکامل ذهن و شناخت انسان ها اشاره دارد. این مفهوم نشان دهنده تحول ذهنی، مهارت های شناختی، و تغییرات در فرآیند یادگیری افراد در طول زمان است. تکامل شناختی به این اعتقاد می پردازد که شناخت انسان ها در پیشرفت طبیعی اجرایی و تکامل یافته است.



نظریه های مربوطه:

نظریه تکاملی ژان پیاژه (Jean Piaget): پیاژه، نظریه پرداز شناختی معروف، به تفصیل فرآیند تکامل شناختی از دوران کودکی تا دوران بلوغ را توضیح داد. وی معتقد بود که اطفال اطلاعات خود را از طریق تجربیات مستقیم با محیط اطراف خود ساخته و تغییر می دهند.

نظریه زنجیره عصبی (Neuroconstructivism): این نظریه بر ایده تأثیر مغز و ساختارهای عصبی در تکامل شناختی تأکید دارد. طرفداران این نظریه معتقدند که تغییرات در نورون ها و اتصالات عصبی نقش مهمی در تکامل شناختی دارند.

نظریه مناطق توسعه (Zone of Proximal Development - ZPD): این نظریه توسط لوو ویگوتسکی ارائه شده است و بر تفاوت بین توانمندی فعلی فرد و توانمندی او در همکاری با دیگران تأکید دارد. ZPD به عنوان محدوده ای از توانمندی ها و مهارت های فرد در حال توسعه نشده و احتمال توسعه با کمک دیگران را نشان می دهد.

نظریه تعاملی روان شناسی (Interactionist Perspective): این نظریه بر تعامل بین عوامل ژنتیکی و محیط در تکامل شناختی تأکید دارد. به عنوان مثال، نقش فعالیت های اجتماعی، فرهنگی، و تجارب در تشکیل توانمندی ها و شناخت فرد بررسی می شود. این نظریه ها هرکدام به نحوی مباحث تکامل شناختی را توضیح می دهند و نقش های مختلف عوامل محیطی و ژنتیکی را در تکامل ذهن و شناخت انسان ها بررسی می کنند. نظریه تکامل، فرهنگ نیز نقش مهمی ایفا می کند، به ویژه در ارتقاء تکامل انسان ها. در این راستا، نقش فرهنگ در نظریه تکامل به شکل زیر قابل توضیح است:

انتقال فرهنگی: یکی از جوانب مهم تکامل انسان ها، انتقال فرهنگی است. انسان ها قابلیت یادگیری از دیگران را دارند و اطلاعات و مهارت های فرهنگی از نسل به نسل منتقل می شوند. این انتقال باعث افزایش تجربیات و مهارت ها در جامعه می شود. تأثیر فرهنگ بر انتخاب طولانی مدت: تکامل فردی و جمعی انسان ها در طولانی مدت تحت تأثیر فرهنگ قرار می گیرد.

عادات، باورها، و ارزش های فرهنگی می توانند به عنوان معیارهای انتخاب شریک های زندگی و تصمیم گیری های طولانی مدت در تکامل انسان ها عمل کنند

تکامل فرهنگی: فرهنگ نه تنها به عنوان محصول تکامل فردی در نظر گرفته نمی شود بلکه به عنوان یک عامل مستقل که در تکامل گروه ها و جوامع نقش دارد، بررسی می شود. تکامل فرهنگی به ایجاد مفاهیم، فنون، و ابزارهای جدید توسط جمعیت ها متکی است.

تعدیل فرهنگی: فرهنگ به عنوان یک مکانیزم تعدیلی نیز عمل می کند. افراد تحت تأثیر فرهنگ قرار گرفته و از آن جذب اطلاعات می کنند که می تواند به تعدیل رفتارها و تصمیم گیری های آن ها کمک کند.

تکامل فرهنگی و تکامل ژنتیکی: در تعامل میان تکامل ژنتیکی و تکامل فرهنگی، فرهنگ می تواند بر تکامل ژنتیکی تأثیر بگذارد. به عبارت دیگر، فرهنگ می تواند تغییرات در محیط را فراهم آورده و انتخاب های ژنتیکی را تحت تأثیر قرار دهد.

از این رو، نظریه تکامل با تأکید بر تعامل پیچیده میان ژنتیک و فرهنگ، نقش مهمی برای فرهنگ در تکامل انسان ها تعیین کرده و به تبیین تفاعلات پیچیده در فرآیند تکاملی کمک می کند.

پیشینه تحقیق:

تومسلو در سال ۱۹۹۹ در مقاله اش به تأثیرات فرهنگ بر تکامل شناخت انسان ها پرداخته و بر اهمیت تعاملات اجتماعی و فرهنگ در شکل گیری توانمندی های شناختی انسان ها تأکید دارد.

ریچرسون و بوید مقاله ای به تأثیرات تکامل فرهنگی بر تکامل ژنتیکی انسان ها پرداخته و به بررسی نقش تعامل پویا میان فرهنگ و ژنتیک در تکامل انسان ها می پردازند.

مسعودی در مقالهای به ادغام رویکردهای روان شناسی، زیست شناسی تکاملی و آنتروپولوژی فرهنگی برای درک تکامل فرهنگی اشاره می کند و بر تعامل میان این علوم در بررسی تکامل شناختی تأکید دارد.



مبانی نظری:

نظریه تکامل: مبنای اصلی درک تکاملی از تکامل شناختی انسان‌ها از نظریه تکامل است. این نظریه معتقد به این است که تکامل ژنتیکی در میانه محیط و فرهنگ نیز تأثیر گذار است و تغییرات در این دو میتواند باعث تکامل شناختی شود.

نظریه فرهنگ: نظریه‌های فرهنگی معتقدند که افراد در حال یادگیری از فرهنگ خود، از دیگران و از تجربیات گذشته‌شان هستند. فرهنگ به عنوان یک سیاق اطلاعاتی، ارزش‌ها و اصول، نقش بسزایی در شکل‌گیری شناخت و رفتار افراد ایفا می‌کند.

نظریه شناختی: مبانی شناختی در تفسیر تکامل شناختی نیز حائز اهمیت است. این نظریه به بررسی ساختار و عملکرد ذهن و فرآیندهای شناختی مانند حافظه، تفکر، و یادگیری می‌پردازد. نظریه روان‌شناسی اجتماعی: نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی نقش تعاملات اجتماعی و ارتباطات بین افراد را در تکامل شناختی مورد توجه قرار می‌دهند. این مبنا به بررسی نقش گروه‌ها و جوامع در تکوین و تکامل شناخت انسان‌ها می‌پردازد. نظریه زیست‌شناسی توسعه‌ای: زیست‌شناسی توسعه‌ای به بررسی تغییرات فردی در طول عمر از دوران کودکی تا بلوغ می‌پردازد. این مبنا به تأثیرات محیط، تجارب یادگیری، و تعاملات اجتماعی در تکوین شخصیت و تکامل شناختی می‌پردازد. این مبانی نظری معتبر با ترکیب و تعامل میان حوزه‌های مختلف به توضیح تکامل شناختی انسان‌ها می‌پردازند و به تعیین روندها و مکانیسم‌های مشترک در تکامل ذهنی و شناختی کمک می‌کنند.

سوالات: چگونه فرهنگ محیط آموزشی می‌تواند بر تحولات شناختی دانش‌آموزان تأثیر بگذارد؟

چه نقشی برای ارزش‌ها و باورهای محیط آموزشی در شکل‌گیری تفکر و دیدگاه‌های دانش‌آموزان وجود دارد؟ چگونه فرآیندهای یادگیری در محیط‌هایی با تنوع فرهنگی می‌توانند تأثیر گذار باشند؟

اهداف: بررسی تأثیر محتواها و مواد آموزشی بر مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی دانش‌آموزان. شناخت عواملی که ممکن است محیط آموزشی را به عنوان یک فرهنگ تعریف کنند و در تکامل شناختی دانش‌آموزان تأثیر گذار باشند. ارزیابی تأثیر تنوع فرهنگی در محیط آموزشی بر قابلیت‌های حل مسائل و تفکر خلاق دانش‌آموزان. تدوین راهکارهای آموزشی برای افزایش توانایی درک و تعامل با فرهنگ‌های متنوع در محیط آموزشی. ارتقاء هماهنگی فرهنگی محیط آموزشی با هدف‌ها و اهداف آموزشی برای افزایش بهره‌وری و توسعه شناختی دانش‌آموزان.

یافته‌های تحقیق: دانش‌آموزانی که در محیط آموزشی حاکم بر فرهنگ محلی و تاریخیچه فرهنگی قرار گرفته‌اند، احتمالاً توانایی بیشتری در درک و ارتباط با مفاهیم فرهنگی مورد نظر دارند.

تأثیر زبان و اصطلاحات: استفاده از زبان و اصطلاحاتی که با فرهنگ محلی هماهنگ باشد، می‌تواند به بهترین شکل ممکن تفهیم و یادگیری مفاهیم جدید را تسهیل کند.

تفاوت‌های درک ارزش‌ها: دانش‌آموزان با اندیشه‌ها و ارزش‌های آموزشی هماهنگ با محیط فرهنگی مدرسه خود، ممکن است احتمالاً با مفاهیم آموزشی و تربیتی بهتری هماهنگ شوند.

تأثیر انتقال فرهنگی: محیط آموزشی با امکانات و فعالیت‌های متنوع، می‌تواند به انتقال فرهنگ بهتری بین دانش‌آموزان و افزایش تفهیم عمیق‌تری از مفاهیم فرهنگی منطقه کمک کند.

نقش معلمان در شکل‌گیری فرهنگ آموزشی: معلمان با نقش برجسته خود در محیط آموزشی می‌توانند به شکل‌گیری فرهنگ آموزشی مثبت و تحت تأثیر قرار دادن مفاهیم فرهنگی کمک کنند.

آگاهی از تنوع فرهنگی: داشتن آگاهی از تنوع فرهنگی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا با احترام به تفاوت‌ها و توانایی درک بهتری از جهان اطراف خود داشته باشند.

تأثیر نمایش فرهنگ در محیط آموزشی: نمایش‌های هنری، جشنواره‌ها و اقدامات فرهنگی در محیط آموزشی می‌توانند به ترسیم تصویری زنده از فرهنگ و هویت محیط دانش‌آموزان کمک کنند. با توجه به یافته‌های این تحقیقات، به نظر می‌رسد که فرهنگ محیط آموزشی نقش مهمی در تکامل شناختی دانش‌آموزان ایفا می‌کند و باید با دقت به طراحی و مدیریت آن توجه شود.

نتیجه‌گیری: محیط آموزشی به عنوان یک عامل کلیدی در تکامل شناختی دانش‌آموزان اهمیت زیادی دارد. فرهنگ محیط آموزشی می‌تواند تأثیرات عمیقی بر حالت روحی، انگیزش، و توانایی‌های شناختی دانش‌آموزان داشته باشد. این تأثیرات ممکن است از طریق طراحی فضا، استفاده از تکنولوژی، رنگ‌ها، صداها، و تنوع منابع آموزشی شکل گیرد. فرهنگ محیط آموزشی به عنوان یک سرمایه فرهنگی مهم، تجربه یادگیری دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند موثر باشد در ترسیم مسیر یادگیری، تشویق خلاقیت، ایجاد انگیزه، و افزایش توجه.



پیشنهادهات: توجه به طراحی فضای آموزشی با ایده های جذاب و هماهنگ با اهداف آموزشی به منظور ایجاد تجربه یادگیری جذاب برای دانش آموزان.

فراهم کردن یک محیط متنوع و شاد با استفاده از رنگ ها، دیکوراسیون ها، و عناصر فرهنگی متنوع. این پیشنهادات می توانند به بهبود فرهنگ محیط آموزشی و در نتیجه، تقویت تکامل شناختی دانش آموزان کمک کنند. در نتیجه، فهم و مدیریت فرهنگ محیط آموزشی به عنوان یکی از اصول مهم در طراحی و اجرای سیاست های آموزشی می تواند تأثیرات بسزایی بر تکامل شناختی دانش آموزان داشته باشد. از طراحی جذاب فضاها گرفته تا استفاده هوشمندانه از فناوری و ترویج فرهنگ تعاملی، همه این عوامل می توانند به بهبود تجربه یادگیری و تکامل شناختی دانش آموزان کمک کنند. پیشنهاد می شود که مسئولان آموزشی و طراحان فرآیند آموزش با توجه به محتوای آموزشی و نیازهای فرهنگی جوانان، برنامه های جامع برای بهبود محیط آموزشی ایجاد و اجرا کنند. این تحولات می توانند باعث افزایش علاقه، انگیزه، و توانمندی های شناختی دانش آموزان شده و به تحقق اهداف آموزشی به شکل بهتری کمک کنند. همچنین، ایجاد یک محیط پویا، انعطاف پذیر، و پشتیبانی کننده می تواند به شکل قابل توجهی در تربیت نسلی با استعداد و پرورش افرادی با توانمندی های چندگانه اثرگذار باشد.

منابع:

- (۱) صالحی، سید کاوس، حومینیان، داوود، ضرغامی، مهدی، و ستاری فرد، صادق. (۱۳۹۲). تفاوت های رشدی - تکاملی در یادگیری توالی حرکتی: رویکرد یادگیری تکلیف مبتنی بر رشد حرکتی. رشد و یادگیری حرکتی - ورزشی (حرکت)، ۱۳(۱)، ۷۹-۱۰۲.
- (۲) هوشمند، فریبا، علایی، حجت اله، و فشارکی، مهرآفرین. (۱۳۸۱). تأثیر تماس مزمن با سطوح پایین سرب در دو مرحله تکاملی مختلف بر فرآیند یادگیری و حافظه در رات. مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد (Journal of Shahrekord University of Medical Sciences)
- (۳) عموسلطانی، محمد مهدی، و علی مردی، محمد مهدی. (۱۳۹۸). خاستگاه نفس در نگاه تکاملی صدرایی و نگاه تکاملی نوحاسته گرایی. الهیات تطبیقی، ۱۰(۲۱)، ۲۹-۴۴.
- (۴) شکیبانی، فریدون، و ولوی، پروانه. (۱۳۹۵). مبانی و پیش فرض های یادگیری مادام العمر در نظریه ابطال پذیری (معرفت شناسی تکاملی) پوپر. همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران (فلسفه آموزش و یادگیری مداوم).
- (۵) میاننداری، حسن. (۱۳۹۲). از خودگذشتگی تکاملی در «سایه» خودخواهی تکاملی. پژوهش های جانوری (زیست شناسی ایران)، ۲۶(۲)، ۲۰۱-۲۱۷.
- (۶) رحیمی بشر، فرشید، حسینی ذیجود، سید مصطفی، خاقانی زاده، مرتضی، و واحدیان عظیمی، امیر. (۱۳۹۶). یادگیری خدمات محور در پرستاری: یک تحلیل مفهوم تکاملی راجرز (مطالعه مروری). مجله طب نظامی، ۱۹(۶)، ۵۳۲-۵۴۳.